



اردوان امیراصلانی

بیش از چند هفته از آغاز حملات مسکو به اوکراین می‌گذرد و این جمهوری شوروی سابق هنوز یک کشور مستقل است. ارتش روسیه که یکی از قدرتمندترین ارتش‌های اروپا محسوب می‌شود، با دست‌کم گرفتن مقاومت اوکراین شکست خورده است. اشتباه مضاعف کرملین اعتقاد به برتری نظامی و بازکردن حساب روی طرفداران روسیه در میان مردم اوکراین بوده است. منافع روسیه در اوکراین علاوه بر امنیت، مبنای عقیدتی و فرهنگی دارد. در واقع ماجرا از قرن نهم میلادی شروع شد. این ناحیه در آن زمان به عنوان «روس کی‌یف» شناخته می‌شد. فتوحات مغول در قرن سیزدهم منجر به تجزیه اسلاوهای شرقی به روسیه، بلاروس و اوکراین شد و این موضوع بیانگر سواوس پوتین برای کنترل این دو همسایه است. مدت ۳۰ سال است که بلاروس تحت رهبری لوکاشنکو مطیع مسکو باقی مانده، اما وضعیت اوکراین که مجذوب ارزش‌ها و وعده‌های سرمایه‌داری غرب شده بسیار پیچیده‌تر است. با این حال، پوتین با هدف زدودن خاطره سقوط اتحاد جماهیر شوروی که به قول خودش بدترین فاجعه قرن بیستم است، برنامه خود را برای بازگرداندن رهبری روسیه به صفحه‌شطرنج جهانی و اروپا پنهان نکرده است. اوکراین از نظر تولیدات کشاورزی، صنایع دفاعی و زیرساخت‌های

هسته‌ای موقعیت حساسی دارد و از لحاظ جغرافیایی دریای سیاه در جنوب این کشور واقع شده است. اوکراین از دیرباز یکی از پرجمعیت‌ترین جمهوری‌ها و از ارکان قدرت اتحاد جماهیر شوروی سابق بوده است. بر اساس یک سرشماری در سال ۲۰۰۱ تخمین زده شد که هشت میلیون روس عمدتا ساکن نواحی شرقی و جنوبی اوکراین هستند و مسکو حتی به قیمت ادغام مجدد اوکراین در قلمرو خود محافظت از این مهاجران را وظیفه خود می‌داند. کرملین از آغاز دهه ۲۰۰۰ تمایل اوکراین به پیوستن به سازمان‌های سیاسی اروپایی و ناتو را به عنوان خیانت در نظر می‌گیرد. این تجزیه‌طلبی نتیجه دخالت غرب است نه تجلی خودمختاری مردم اوکراین. مسلما روس‌ها و اوکراینی‌ها از نظر فرهنگی به هم نزدیک هستند و حتی الکسی ناوالنی، مخالف سرسخت پوتین و منتقد سیاست خارجی او، علنا معتقد بود که هیچ چیز نمی‌تواند این دو ملت را متمایز کند. نقش اقتصادی اوکراین برای صادرات هیدروکربن‌های روسیه به اروپا و اهمیت استراتژیک آن با هدف دور نگه‌داشتن ناتو و آمریکا از مرزهای روسیه، تلاش مسکو برای حفظ اوکراین در حوزه نفوذ خود را توجیه می‌کند. از دسامبر ۲۰۲۱، روسیه با بسیج ۱۷۵ هزار نیرو در مرزهای اوکراین برای تهاجمی که دو ماه بعد آغاز شد،

روسیه، یک قدرت خیالی

انتقاد نمایندگان سابق و فعلی مجلس از حذف مصوبات مجلس توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام

بدعت مجمع در قامت قانون گذاری

قرار است با هیئت عالی نظارت داشته باشند، تا شاید بتوانند راه‌حلی برای پیشامد فعلی بیابند. در ماه‌های اخیر موضع‌گیری مجمع تشخیص نسبت به مصوبه واردات خودرو از جنبه‌های مختلف با اعتراضات گسترده مواجه شده؛ از یک سو با چالش‌های چندباره تصویب این مصوبه و بحث نفوذ مافیای خودرو بر تصمیم‌سازی در روند قانون‌گذاری مطرح شده و از سویی دیگر رفتار مجمع تشخیص به نادیده‌گرفتن روند قانون‌گذاری تعبیر شده است. هرچند اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام خود را برحق می‌دانند که هرآنچه مصلحت می‌دانند جاری و ساری کنند، اما در روند قانون‌گذاری، نظریه مشورتی مجمع به شورای نگهبان برای شورا لازم‌الاجرا نیست و شورای نگهبان اگر مصوبه مجلس را خلاف خواست و اراده هیئت عالی نظارت تأیید کند، این قانون لازم‌الاجراست و قرار نیست شورای نگهبان تابع نظر مجمع باشد؛ زیرا چنین اختیاری را قانون اساسی به مجمع نداده است، هرچند مجلس هم

این دخالت‌ها در مجلس پیشین هم صورت می گرفت

کلّی نظام شد و بر تأیید یا رد مصوبات اثرگذار شد». نماینده سابق مجلس افزود: «مواردی رخ داد که مجمع در جریان طرح‌هایی قرار می‌گرفت که هنوز در صحن علنی مجلس مطرح نشده بود مانند طرح اداره و نظارت بر صداوسیما؛ کمیسیون فرهنگی مجلس این طرح را تصویب کرده بود اما مجمع از ما دعوت کرد و در آن جلسه کارشناسانی با ادعاهایی که سطح پایینی داشت عنوان کردند مجلس حق ندارد برای کسی که منصوب رهبری است شرح وظایف تعیین کند، در صورتی که این ادعا کاملا خلاف قانون اساسی است و شیوه کار صداوسیما را قانون معلوم می‌کند». او گفت: «مداخله مجمم در مصوبات مجلس به هرگونه که باشد یک بدعت آشکار و مغایر با قانون اساسی است. هرقدر مجمع از چارچوب خودش فراتر رود، جز اینکه زمینه وهن نظام را فراهم می‌کند نتیجه‌ای ندارد».

این دخالت‌ها در مجلس پیشین هم صورت می گرفت

مازنی گفت: «این دخالت‌ها در مجلس پیشین هم صورت می‌گرفت، اما ویژگی مجلس دهم این بود که محصول مشارکت اکثر مردم بود و نمایندگان استقلال رای داشتند. در چنین مواردی نمایندگان و خصوصا فرانکسیون امید اعتراض می‌کردند. البته مجلس دهم هم از تمام ظرفیت خودش برای مقابله با این موارد استفاده نکرد و همین موجب کاهش مشارکت مردم در انتخابات مجلس بعدی شد، اما به هر حال نمایندگان مجلس دهم نسبت به مجلس فعلی اجازه دخالت به سایر ارگان‌ها یا قوا را نمی‌دادند و در نهایت مسئله را برای تدبیر و نظر نهایی به رهبری ارجاع می‌دادند». او افزود: «من با تغییر و بازنگری در این بخش از قانون اساسی مخالفم، اما اگر مجمع می‌خواهد به شکلی به‌جز شکل قانون فعلی در روند مصوبات دخالت کند، باید برای تغییر قانون اساسی اقدام کند».

مجمع از حدود قانونی خود فراتر رفته است

قبل از اینکه شورای نگهبان نظری بدهد مداخله می‌کرد، هرچند آن هم مورد تأیید نیست و چندان قانونی نیست. اما در حال حاضر شورای نگهبان و مجلس لایحه را تصویب کرده‌اند ولی حالا که بودجه منتشر شده است معلوم می‌شود که مجمع بند واردات خودرو را حذف کرده است. این کار نادیده‌گرفتنِ شان و جایگاه هم مجلس است و هم شورای نگهبان». او افزود: «در زمان مجلس دهم که تحت عنوان دخالت در سیاست‌های کلّی نظام که مجمع حق نظر دادن در آنها را دارد در مصوبات دخالت می‌کرد، آن دخالت‌ها بیش از اعمال نظرات شورای نگهبان بود. تفاوت اعمال نظرات مجمع آن زمان با اکنون در این بوده است. این بدعت گامی است به جلو برای حذف مجلس».

نقدعلی همچنین تأکید کرد: «این رفتار مجمع تشخیص مصلحت نظام، روح و ریشه قانونی ندارد و نمی‌تواند قابل اجرا و استناد باشد». او در پایان با اشاره به اینکه نمایندگان پیکر مسئله از طریق رئیس مجلس هستند، گفت: «در حال حاضر موضوع را به ریاست مجلس انتقال داده‌ایم و باز هم پیکر موضوع هستیم. از آنجایی که این موضوع ازجمله مواردی است که مقام فرادستی باید به آن ورود کند، پس بعد از انتقال به رئیس مجلس و تذکرات متوالی از طریق تریبون مجلس، منتظریم تا هیئت‌رئیس مجلس مسیر قانونی آن را طی کند، چراکه این اقدام مجمع، کار درستی نیست و باید اصلاح شود».

نگهبان درباره یک مصوبه مجلس اختلاف نظر پیش آمد و مجلس بر مصوبه خود اصرار ورزید، برای حل این اختلاف، مجمع تشخیص حق ورود دارد». این نماینده اصولگرای مجلس ادامه داد: «همه ما می‌دانیم طبق قانون اساسی هرجا قانونی در مجلس تصویب شد و توسط شورای نگهبان هم به تأیید رسید و هیچ مغایرتی با شرع و قانون اساسی نداشت، برای همه قابل اجراست. اما اینکه دوباره نهاد سومی تشکیل شود که بخواهد مصوبات و قانون و مجلس را رد یا حذف کند و درباره آنها اظهارنظری داشته باشد، برخلاف چارچوب قانون اساسی است».

است. تعداد مزدوران خارجی ازجمله گروه واکتر، داوطلبان چچنی و به‌زودی سوری‌ها و حتی بلاروس‌ها در این درگیری بیش از دو برابر نیروهای روس است. قدرت نظامی روسیه تحت تأثیر موقعیت ناحیه و نیروهای مقاومت قرار گرفت، از این‌رو روسیه به تهدید هسته‌ای، محاصره و بمباران عمدی غیرنظامیان روی آورد. پوتین شهرهایی مانند ماریوپول را که سد راه ارتش روسیه برای کنترل نقاط استراتژیک است، هدف قرار داده است. تهاجم روسیه می‌تواند به بن‌بست منجر شود و روسیه تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی ابزاری برای پذیرش آن نخواهد داشت. علاوه بر این، کشمکش بین بلوک روسیه و بلوک غرب که یادآور جنگ سرد است، به جنگ میان دو ملیت در دروازه‌های اروپا تبدیل شده است. احتمال دارد عملیات ویژه منجر به سرنگونی دولت رلنسکی و به قدرت رسیدن یک فرد دست‌نشانده در اوکراین شود. اما روسیه برای کنترل کشوری که عمیقاً بین شرق و غرب تقسیم شده و دارای مردمی زخم‌خورده و متغیر از اشغالگران است، مشکلات زیادی خواهد داشت. پوتین رهبری است که دنیای امروز را از روی نقشه‌های ژئوپلیتیک دیروز می‌بیند و جنگ با اوکراین می‌تواند تداعی‌گر جنگ شوروی سابق با افغانستان باشد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام در مقام قانون گذاری

می‌توان گفت نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام در اینجا برای شورای نگهبان فرستاده می‌شود که شورای نگهبان وظیفه قانونی خودش را انجام بدهد و اعلام مغایرت بکنند بر اساس بند دو اصل ۱۱۰ قانون اساسی. تا به حال هم در تمامی موارد به همین صورت بوده است». نکته مهم این سخنان در بند پایانی است که موجب ابهام شده است؛ زیرا شورای نگهبان اگر مصوبه‌ای را خلاف قانون اساسی و شرع مقدس نداند، می‌تواند تأیید کند و نظر مشورتی هیئت عالی نظارت نمی‌تواند الزام‌آور باشد اما مجمع می‌گوید الزام‌آور است.

مجید انصاری معتقد است: «مصوبه مجلس در مواردی که برخلاف سیاست‌های کلّی نظام باشد، خلاف قانون اساسی است»، اما انصاری همچنین گفته است که «اشکال توسط شورای نگهبان به مجلس اعلام خواهد شد. البته اگر مجلس در موردی اصرار داشته باشد بر مصوبه خودش و بنا بر مصلحتی اصرار داشته باشد دوسوم نمایندگان مجلس به آن رأی بدهند، در آن صورت به عنوان یک موضوع مصلحتی به مجمع می‌آید و بررسی می‌شود و مجمع نظر خودش را خواهد داد، نه هیئت عالی نظارت». حال گویا روند فعلی تغییر کرده و یکباره بندی حذف شده که باعث بدعتی نوین شده است. در این رابطه «شرق» نظر نمایندگان سابق و فعلی مجلس را جویا شده تا میزان اختیار مجمع برای چنین اقداماتی مورد بررسی قرار گیرد.

وظیفه شورای راهبردی مداخله در جزئیات نیست



کمال علیپور خنکداری، نماینده قانمشهر در مجلس، دراین‌باره به «شرق» گفت: «طبق قانون اساسی فصل‌الخطاب قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی است و شورای محترم نگهبان در صورتی که مصوبات مجلس خلاف شرع یا قانون اساسی نباشند، آن را تأیید می‌کند؛ اما اگر موارد اختلافی پیش آمد، به مجمع تشخیص ارجاع داده می‌شود».

او ادامه داد: «ازجمله وظایفی که به‌تازگی مجمع تشخیص در شورای راهبردی خود انجام می‌دهد، ورود به موارد کلان است و اگر مصوبه مجلس برخلاف راهبرد استراتژیک باشد، به آن ورود می‌کند که در آن حرفی نیست؛ یعنی اگر با راهبرد کلان و استراتژیک کشور مطابقت نداشته باشد، در این صورت شورای راهبردی مجمع باید ورود کند». این نماینده اصولگرای مجلس تأکید کرد: «اما نکته اینجا است که گاهی درباره موارد جزئی هم ورود می‌کند که بحث انتقادی نمایندگان به این رفتار است و بارها در چند سال اخیر هم تکرار شده است». علیپور با اشاره به مورد اخیر «حذف مجوز واردات خودروی سواری از قانون بودجه ۱۴۰۱» توسط شورای راهبردی مجمع تشخیص، این کار را مداخله مجمع در وظایف مجلس دانست که قابل قبول نیست.

او ادامه داد: «وظیفه این شورای راهبردی مجمع تشخیص در مواردی است که نیاز جامعه به خوراک یا امکانات و کیفیت باشد، مثلاً برنج، روغن و… آیا وارد کشور شود یا در داخل تولید شود؟ اما درباره خودرو این موضوع صدق نمی‌کند؛ چراکه خودرو یک باند مافیایی در کشور دارد و وضعیت آن نامناسب است». عضو کمیسیون عمران مجلس یازدهم تصریح کرد: «وقتی سالانه حدود ۱۹ هزار نفر به واسطه عدم کیفیت خودروی داخلی در جاده‌های کشور کشته می‌شوند، باید برای جان انسان‌ها ارزش قائل بشویم و با واردات خودروی باکیفیت خارجی و رقابتی‌کردن بازار خودرو، جلوی مافیای خودرو را بگیریم. در این مورد مجمع تشخیص نباید ورود کند؛ چراکه موضوع راهبردی کلان نیست و از وظایف آن محسوب نمی‌شود و باید اجازه دهد مجلس کار خودش را انجام دهد».

علیپور در ادامه با زیر سؤال بردن ماهیت این شورا در مجمع گفت: «چند سالی است که بنا بر سلیقه و پیشنهاد آقای محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص که گفته بود درباره موارد راهبردی، قانون مغفول مانده و مجمع باید به آن ورود کند، این شورای تشکیل و فعال شد که باید برای حل مشکلات موزای‌کاری چارهای اندیشیده شود». او در پایان تأکید کرد: «برای حل این موضوع باید سران سه قوه با یکدیگر تشکیل جلسه دهند و با همفکری برای این مسئله و تعیین تکلیف وظایف این شورا، به تصمیم‌گیری مشترکی برسند».

میزان اختیارات مجمع تشخیص باید برای نمایندگان روشن شود



حسین نوش‌آبادی، نماینده تهران در مجلس هم با انتقاد از عملکرد شورای راهبردی به «شرق» گفت: «مجمع تشخیص همان‌طور که از نامش پیداست، مصلحت‌ها را تشخیص می‌دهد و مجلس هم وظیفه قانون‌گذاری را بر عهده دارد و بقیه نهادها مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی تصمیماتشان در حکم قانون است ولی قانون نیست و خودشان می‌توانند آن قانون را لغو کنند، اما قانون مجلس را کسی نمی‌تواند لغو کند جز خود مجلس».

او با اشاره به وظایف مجمع تشخیص گفت: «وظیفه مجمع تشخیص، دادن مشورت به رهبری و تعیین سیاست‌های کلّی نظام و رفع اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس در راستای وظایف محوله قانون اساسی است و این اقدامی که اخیراً انجام می‌دهد جای بحث دارد».

نماینده مردم تهران در مجلس به نقطه اختلافی درباره وظایف شورای راهبردی مجمع تشخیص اشاره کرد و افزود: «بحث اختلافی اخیر متأثر از مسئله واگذاری مسئولیت نظارت بر سیاست کلّی به این شورا است. چون مسئولیت نظارت بر سیاست‌های کلّی بر عهده‌اش گذاشته است، در مواردی خطوط کلّی را تعیین می‌کند، اما به دلیل اینکه میزان و اندازه آن وظیفه مشخص نیست ایجاد شبهه می‌کند». نوش‌آبادی گفت: «این وظیفه جدید مجمع در قانون اساسی نیامده است، باید قانون‌مند شود؛ یعنی یا این حد و اندازه باید مشخص شود یا نمایندگان توجیه شوند که بر اساس چه اختیار و صلاحیتی به این موارد ورود می‌کند تا دخالت‌ها مشخص شود». عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اظهار کرد: «باید بررسی شود آیا اقداماتی که اخیراً مجمع تشخیص درباره مصوبات مجلس انجام می‌دهد، در چارچوب وظایف و اختیاراتی است که به آن محول شده یا خیر؟ این سؤال جدی نمایندگان است و اگر نگوئیم دخالت ناپجا، اما ورود نابهنگام صورت می‌گیرد که مجلس برای قانون‌گذاری خودش را در حاشیه می‌بیند».

او در ادامه افزود: «دراین‌باره باید ابعاد و زوایای اختیار مجمع بررسی شود تا مجلس بداند اختیاری که به مجمع داده شده، حد و مرزش تا کجا و به چه اندازه است».

نوش‌آبادی در پایان تأکید کرد: «نظر شورای نگهبان درباره بررسی مصوبات برای ما حجت است، اما انتقاد نمایندگان به ورود نهاد مجمع تشخیص و شورای عالی انقلاب فرهنگی به برخی امور است. مثلاً شبهه ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به موضوع کنکور همچنان وجود دارد که آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند در موضوعاتی که مجلس ورود کرده است، ورود کند؟ به همین دلیل نامه ۲۷۰ نماینده به رئیس‌جمهوری نوشته شد. این سؤال و شبهه‌هاست که به نامه ۲۳۰ نماینده به رئیس‌جمهور تبدیل می‌شود و نمونه آن ممکن است در جاهای دیگر هم اتفاق بیفتد».